

فرهنگت

دیروز، ۷ تیرماه، تهران به عنوان پایتخت مقاومت به صحنه حماسهٔ آفرینی ملتی تبدیل شد که با حضور پرشور خود از همهٔ علائق و سلاطیق از پیر و جوان در مراسم تشییع پیکر شهدای پاسدار و زنان و مردان و کودکان مظلوم رنگ و بوی دیگری به این تشییع باشکوه داده بودند، حضوری کم‌نظیر که در تاریخ طولانی ایران‌زمین نظیری برای آن کمتر پیدا می‌شود. در تشییع پرشور شهدا از گروه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف با مردم با عقاید و نگرش‌های متفاوت حضور پیدا کردند. مردم در ۷ تیر ماه ۱۴۰۴ پس از حضور تاریخی خسود در نماز جمعه ۳۰ خردادماه جلوه‌ای دیگر از همدلی و همراهی را در کنار شهدای خود به نمایش گذاشتند.
دیروز ایرانیان در کنار شهدای خود به دنیا‌نشان دادند که خون شهدا، به‌ویژه خون پاک کودکان بی‌گناه، هرگز پایمال نخواهد شد و عزم ملت برای انتقام قوی‌تر از همیشه است. این حضور در زمانه‌ای که شاهد اوج تقابل منطقه‌ای و جهانی رژیم‌صهیونیستی و حامیانش با ایران هستیم، رخ داد. از همین رو چند پرسش کلیدی به وجود می‌آید که رمز حضور مردم در مراسم تشییع شهدا چه بود؟ این تشییع تاریخی چه پامی دارد؟ انسجام مردم در این برهه حساس چگونه شکل گرفته و چگونه باید از آن حفاظت کرد؟ در همین خصوص «فرهیختگان» با محمدرضا قائمی‌نیک، استاد علوم اجتماعی دانشگاه رضوی گفت‌وگو کرده که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

ظهور آزادانه

باعث خلق چنین صحنه‌هایی می‌شود

محمدرضا قائمی‌نیک در خصوص حضور پر شور همه سلاطیق در تشیع شهدای جنگ تحمیلی دوم معتقد است: «زمانی که اجازه بدهیم ظهور و بروز آزادانه مردم بدون جهت‌گیری در جامعه ایران رقم بخورد، شاهد چنین صحنه‌هایی هستیم. یکی از اشتباهات اهل فکر در دوره معاصر در مورد مفهوم مردم این بوده که در واقع اجازه سخن گفتن از جانب خود مردم را نداده و همواره سعی کرده‌اند مردم را مطابق چهارچوب تحلیلی خودشان تفسیر بکنند. چنین لحظاتی بسیار حساس و مهم است. فهم حضور مردم در این صحنه‌ها بسیار مهم است و بی شک چنین حضوری نمی‌تواند محصول یک سال، دو سال یا حتی ۳۰ سال تا ۴۰ سال باشد؛ چراکه پیوندی با تاریخ دارد.»

بسیاری از کشورها با هزینه هنگفت تبلیغاتی هم نمی‌توانند یک‌دهم این جمعیت را پای کار بیاورند

او در ادامه با بیان اینکه این حضور با فراخوان‌های رسانه‌ای ممکن نبود، بیان داشت: «شما می‌دانید در بسیاری از کشورها هزینه‌های هنگفت تبلیغاتی انجام می‌شود برای اینکه یک‌دهم این جمعیت را بتوانند در یک میتینگ پای کار بیاورند. به‌علاوه ما به لحاظ رسانه‌ای نسبت به بسیاری از این کشورها ضعیف‌تر هستیم و طبیعتاً نمی‌توانیم با هیچ رسانه و تبلیغاتی چنین مردمی را به خیابان‌ها بکشانیم. با وجود این مسائل در این لحظه تاریخی مردم به تشییع شهدا آمدند. به‌علاوه حتی اگر از حیث استمرار ماجرا نگاه بکنید و نه صرفاً تراکم جمعیت باید گفت استمرار حضور ملت ما در میدان‌ها را شاید نتوان در هیچ جایی پیدا کرد. ملتی که چهل و چند سال از انقلابش گذشته باشد و هر سال مردم پای ۲۲ بهمنش بیایند یا برای مثال حادثه‌ای که شاید

محمدرضا قائمی‌نیک در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از تشییع تاریخی شهدا توسط مردم می‌گوید

بسیاری از کشورها با هزینهٔ هنگفت هم نمی‌توانند یک‌دهم این جمعیت را بیاورند

از نظر ما اهمیت زیادی نداشته باشد، حضور مردم در نمازهای جمعه است که در گستره زیادی هر هفته دارد برگزار می‌شود. ما در هر سال حدود ۵۲ هفته داریم و در گستره ملی در شهرها و شهرستان‌های مختلف، هر جمعه در واقع آدم‌ها می‌آیند برای یک نماز جمعه که البته در حد و اندازه خودش است. اما این آمدن‌ها در واقع نشانگر عمق تاریخی هویت ما است. یعنی این‌ها یک بهروای از هویت تاریخی ما دارند می‌برند و مردم در نسبت به آن هویت گذشته، پای کار چنین رویدادهایی می‌آیند و چنین اتفاقاتی رقم می‌خورد.»

برخی تصورشان از وحدت جامعه یک‌دست است

محمدرضا قائمی‌نیک در خصوص چگونگی شکل‌گیری یکپارچگی و اتحاد ایرانیان در دفاع مقدس دوم معتقد است: «اتحاد و انسجام ایرانیان بستگی به فهم ما از مسئله وحدت یا تکرر در جامعه دارد. بعضی از افراد تصورشان این است که جامعه بایستی شکل یک‌دستی داشته باشد تا به آن جامعه بگویم وحدت دارد؛ یعنی به تعبیر دیگر، درک اولیه و شاید اشتباه‌برانگیز ما از وحدت، مساوی با جامعه یک‌دست است. درحالی‌که حتی ادبیات تاریخی و عرفانی گذشته ما، چه از ناحیه مولفه ایرانی‌بودن و چه از ناحیه اسلامی‌بودن، در واقع وحدت را مساوی یک‌دستی جامعه نمی‌بیند، بلکه وحدت در نسبت با کثرت و تکررهای هویتی فهم می‌شود.»

او در ادامه بیان کرد: «جامعه ایران همواره در مولفه‌هایی وحدت داشته و در واقع آن چیزی که احتمالاً فهم ما را دچار اشتباه می‌کند، این است که ما وحدت را با یک‌دستی یکی می‌گیریم و آن وقت فکر می‌کنیم جامعه‌ای که مثلاً تکرر در آن دارد، مثلاً اصلاح‌طلب و اصولگرا دارد، یا فلان پوشش دارد یا فلان پوشش را ندارد، احتمالاً با ایده مقابله با دشمن و حمایت از آرمان‌های ملی وحدت ندارد.»

در بحران‌ها امکان تبدیل تهدید به فرصت وجود دارد

او بسا توضیح آن که جامعه ایرانی در طول تاریخ بقا پیدا کرده و در برخی از مواقع با بحران مواجه بوده، بیان داشت: «درحالی‌که جامعه ایرانی در طول تاریخ بقا پیدا کرده و ما امروز خودمان را در نسبتی با هویت گذشته فرهنگی و تاریخی خودمان، در ارتباط با فردوسی همچنان احساس می‌کنیم، با خیام هم‌فکری داریم، با حافظ هم‌فکری داریم، با متفکران گذشته‌مان هم‌فکری داریم، این نشانگر این است که وحدت در متن جامعه ایرانی برقرار است. البته این را باید لحاظ بکنیم و به آن توجه بکنیم که این وحدت همواره در واقع در معرض تهدیدها یا بحران‌هایی قرار می‌گیرد. اما این که وحدت یک جامعه در معرض بحران قرار بگیرد، لزوماً به معنای فرپاشی وحدت نیست. چون بحران‌ها همان‌طور که می‌توانند مخرب باشند، می‌توانند باعث از رکود در آمدن یک جامعه و ارتقای آن شوند. بحران‌ها مثل آزمون‌های امتحان است، یعنی امتحان‌ها می‌توانند هم باعث فروزگی و سقوط شوند و هم موجب رشد و اعتلا. آزمون‌هایی که هویت را در ظاهر تهدید می‌کنند، این تهدید می‌تواند به عنوان فرصت نیز تلقی بشود و می‌تواند باعث ارتقا بشود، چرا که رکود طبیعی که در یک هویت فرهنگی ایجاد می‌شود را می‌تواند تغییر بدهد و باعث ارتقا بشود. چنین بحران‌هایی هم می‌تواند آن هویت را به‌طور کامل نابود بکند و هم می‌تواند باعث ارتقا بشود.»

رژیم کودکش در ۱۲ روز خبرنگاران را هم شهید کرد

خبر چقدر تلخه!

روز گذشته ۷ تیرماه، تهران میزان پیکر بیش از ۶۰ شهید بود و شهدا بر دستان مردم در خانه ابدی‌شان آرام گرفتند. در میان شهدا فرماندهان نظامی، خانواده‌های‌شان و کودکان خردسال نیز بودند. در بین افرادی که روز گذشته تشییع شدند، نام فرشته افشردی نیز به چشم می‌خورد. فرشته افشردی، دختر سهید شهید محمد باقری بود. فرشته باقری خبرنگار دفاع‌پرس بود. البته باقری تنها خبرنگار و رسانه‌ای شهید در جنگ ۱۲ روزهٔ نبرد و احسان ذاکری خبرنگار خبرگزاری ایکنآ و نیما رجب‌پور دبیر خبر شبکه خبر ۳ سیما نیز در حمله به صد اوسیمیا به شهادت رسیده بودند. رجب‌پور در ۲۸ خردادماه به خاک سپرده شد. گزارش زیر گپ و گفتی صمیمانه با دوستان و همکاران فرشته افشردی، احسان ذاکری و نیما رجب‌پور است.

فرشته یک آقازاده واقعی بود

سیدفاطمه ساداتکیایی، خبرنگار خبرگزاری مهر سابقه همکاری با فرشته افشردی داشته است. فرشته افشردی یا همان فرشته باقری متولد آذر ۷۶ و فارغ‌التحصیل رشته ارتباطات از دانشگاه علامه است. سادات کیایی درباره فرشته باقری می‌گوید: «باورم نمی‌شد که این دختر به اصطلاح ما یک آقازاده باشد. رفتار بسیار ساده‌ای داشتم، بسیار بی‌ریا و خالص بود، خودش هیچ‌وقت درباره پدرش صحبت نمی‌کرد. ما هم بعداً متوجه شدیم که او فرزند چه کسی است. در رفتار و نشست‌وبرخاست او اصلاً نمی‌شد فهمید که دختر سردار باقری است. خیلی به کارش علاقه داشت. با اینکه سال‌های زیادی نبود که وارد فضای رسانه شده بود، اما عاشق حرفه خبرنگاری بودند. نه اینکه بخواهد از این حرفه به‌عنوان پلی برای رسیدن به جایگاه‌های دیگر یا کسب مسئولیت‌های بالاتر استفاده کند، بلکه واقعاً کار خبرنگاری را دوست داشت. احساس می‌کرد همان راهی را می‌رود که روزی عمویش پیموده بود و به فرمانده‌ای نابغه در جنگ تبدیل شده بود. به همین دلیل، به‌خاطر عمویش که کارش را از خبر شروع کرده بود، به خبرنگاری علاقه داشتم.»

سادات کیایی تعریف می‌کند که هیچ‌وقت فرشته باقری را در محیط کار ناراحت یا عصبانی ندیده است. «در محیط کاری، گاهی پیش می‌آید که حرف‌هایی زده شود یا ناراحتی‌ها و درگیری‌های کاری به وجود آید، اما ما هیچ‌وقت از ایشان عصبانیت، ناراحتی یا برخورد با کسی ندیدیم. همه چیز را خیلی ساده می‌گرفتند. نگاه بسیار لطیف و روشنی به همه چیز داشت. نگاهشان بسیار ساده بود. همه را لطیف و بی‌آلایش می‌دید، انگار چون خوش پاک بود، همه را پاک می‌دید. خیلی به مزار شهدا علاقه داشت و به اخبار و اتفاقاتی که آنجا می‌افتاد توجه و یژه‌ای نتشبان می‌داد. گاهی حتی بدون اینکه خبرنگاری چیزی بگوید، خودش به آنجا می‌رفت. روی مسائل مربوط به آفتیش ماشین و هنرینه‌هایی که برای رفت‌وآمد خبرنگاران پرداخت

او با اشاره به اتحاد ایرانیان در دفاع مقدس دوم افزود: «جنگ اخیر یکی از آن نقاطی است که نشانان داد جامعه ایرانی در متن خودش وحدت دارد و البته در واقع این وحدت مادامی مفید و در واقع به مثابه فرصتی برای جامعه محسوب می‌شود که بتواند آن تکرر‌ها را در خودش جذب و هضم بکند.»

هویت یک ملت را باید در مواجهه با تهدیدات و ضربات سنگین شناخت

او با اشاره به مولفه و آورده‌های تاریخی ایرانیان افزود: «مولفه‌های اساسی هویت یک ملت را باید در آنجاهایی دنبال کرد که ضربات سنگین و جانکاهی یا تهدیدکننده‌ای بر هویت ملی دارد رقم می‌خورد و آنجاست که مولفه‌های اصلی از غیراصلی بازشناخته می‌شوند. در مورد مصداق هویت‌های ملی باید یک مقدار با احتیاط رفتار کرد. لزوماً و مخصوصاً در فضای رسانه‌ای که ما با آن سروکار داریم، دنبال کردن خیلی از این مولفه‌ها به عنوان مولفه‌های اصیل نیازمند یک تأملات دقیق‌تری است که وقتی از جامعه ایرانی با عمق تمدنی قابل‌توجهی حرف می‌زنیم، ببینیم که این مصادیق آیا مصداق واقعاً مولفه‌های هویتی هستند یا نه. در واقع بود و نبود آن‌ها در درازمدت اصلاً تغییری در هویت ملی ایجاد می‌کند یا نه. مقابله با ظلم، مقابله با کودک‌کشی، مقابله با تجاوز و به وطن، این‌ها می‌تواند جزء مولفه‌های تاریخی و هزارساله ما ایرانیان باشد.»
قائم‌نیک با اشاره به اهمیت حفظ این اتحاد و انسجام ملت ایران افزود: «در جانب رقیب ما، یعنی رژیم‌صهیونیستی. رژیم‌صهیونیستی در تل آویو، یعنی در تلی از خاک که با موشک‌های ایران در این شهر ایجاد شده است، دو روز بعد از آتش‌بس، یک بیلپورد خیلی بزرگ را در شهر منتشر می‌کند و روی آن نوشته: «نسخه پیمان ابراهیم: اکنون زمان خاورمیانه جدید است.» و روی آن بیلپورد، هم عکس ترامپ، هم عکس نتانیاهو و هم عکس بخش قابل‌توجهی از سران کشورهای منطقه که در این مدت در طی پروژه عادی‌سازی روابط با رژیم‌صهیونیستی وارد تعاملات سازنده شدند، مثل قطر و امارات و تارلدن و امثال آن، تصاویر اشخاصی مانند محمود عباس و امثال این‌ها است. به‌علاوه این عبارت دیده می‌شود که: «در بحران‌ها فرصت‌ها پدید می‌آیند.» این نشان می‌دهد که رژیم‌صهیونیستی به‌درستی متوجه است که در اوج بحرانی که قرار دارد و به لحاظ افکار عمومی با مشکل جدی مواجه است برای اینکه نشان بدهد که در این جنگ تنها نبوده به نوعی می‌گوید پیمان ابراهیم پشت سرشان بوده است.»

احیای هویت تاریخی جامعه مهم‌ترین فرصت پیش روی ما است

او در ادامه افزود: «ما به طریق اولی، به دلیل بهره‌مندی از هویت تاریخی عمیقی که داریم، از این جنگ می‌توانیم استفاده بکنیم، به شرطی که هوشیار و آگاه باشیم، به این معنا، مهم‌ترین دستاورد و فرصتی که در حال حاضر برای ما وجود دارد، توجه به احیای هویت تاریخی جامعه ایرانی است. ما میراث‌دار تاریخ ملی ایران هستیم و ما یک تاریخ در درازای تاریخ اسلام و ایران داریم. این اتحاد میراث وحدت جامعه ایرانی با گذشته خودش است که توانسته آن‌ها را در این آستانه حساس احیا بکند و به رخ بکشد. به همین دلیل، توجه به هویت تاریخی جامعه ایران از مهم‌ترین موضوعاتی است که در حال حاضر ما را ته‌تهدا در مواجهه با رژیم‌صهیونیستی، بلکه در مقابل موج بنیان‌رافکن نظم استعماری که تقریباً ۲۰۰ ساله در مواجهه با آن هستیم، قرار می‌دهد.»

منازعه امت‌گرایی و ملی‌گرایی بسیار ساختگی و سخیف است

او در ادامه در خصوص چگونگی حفظ انسجام جامعه ایرانی در نقد دوقطبی سازان افزود: «ما باید مثل رقییمان بلندیرواز باشیم، مثلاً شما در هفته اخیر یک منازعه بسیار ساختگی و سخیفی به نام امت‌گرایی و ملت‌گرایی را در شبکه‌های اجتماعی دیدید، درحالی‌که رقیب شما یعنی رژیم‌صهیونیستی و همکاران آن، درگیر این‌گونه مسائل نیستند. رژیم‌صهیونیستی سابقه ملی بودن مثل ما را ندارد. در کل عمر این رژیم ۷۰ ساله است، یعنی هنوز ملیتش شکل نگرفته است به‌علاوه هم‌پیمانان آن در واقع نمی‌توانند با آن تشکیل امتی را بدهند. اما بلندیروازی او به گونه‌ای است که دو روز بعد از آتش‌بس، نتانیاهویی که عمر کشورش به ۷۰ یا ۸۰ سال نمی‌رسد ترامپ را و سران کشورهای عربستان سعودی و اردن و عمان و محمود عباس و غیره را هم می‌آورد و این‌ها را ذیل یک مفهوم به نام «پیمان ابراهیم» قرار می‌دهد.»

برای رژیم‌صهیونیستی این منازعه بین ابراهیمیان و غیرابراهیمیان است

قائم‌نیک در ادامه بیان داشت: «همان‌طور که می‌دانید پیمان ابراهیم در واقع پیمانی است که ناظر به حضرت ابراهیم می‌باشد و به عنوان نقطه اشتراک مسیحیان و یهودیان و مسلمان دارند مظهر حش می‌کنند. یعنی دو روز بعد از آتش‌بس دارد چه فضایی را در تل آوی مطرح می‌کند که اصلاً منازعه، منازعه ابراهیمیان و غیرابراهیمیان است. اما دراینجا که سرشار از چنین مفاهیمی در طول تاریخمان هستیم، منازعه را در سطح ملت‌گرایی و امت‌گرایی داریم تعریف می‌کنیم. یعنی یک‌بار با خودمان فکر کنیم که به لحاظ هویت تاریخی هم که نگاه بکنیم، ما بیشتر با امت اسلامی بودیم یا در واقع مثلاً ترامپ؟ ما اشتراکاتمان با حضرت ابراهیم و آیین‌های ابراهیمی بیشتر است یا مثلاً ترامپ؟ این در واقع از آن اشتباهاتی است که ما داریم در این عرصه مرتکب می‌شویم. من فکر می‌کنم راهش این است که در این بز نگاه‌های حساس، تا جایی که امکان‌های واقعی ما اجازه می‌دهد این اشتراکات را باید بتوانیم احیا کنیم و در واقع با چنین امکان‌هایی بتوانیم برای مواجهه آماده بشویم.»
او در ادامه با اشاره به واقعه عاشورا و امکان تولید اشتراکات فرهنگی بیان داشت: «من یک نمونه عرض کنم، ما چقدر در روایتمان از حادثه عاشورا یا تشییع، به پیوند تشییع با تاریخ انبیا در سطح افکار عمومی توجه کرده‌ایم؟ یعنی در این سال‌ها، هیچ وقت به نسبت تشییع با تاریخ انبیا توجه نکرده‌ایم. درحالی‌که در روایتی از حضرت رضا (ع) آمده که حضرت ابراهیم در جریان ذبح حضرت اسماعیل برای حضرت سیدالشهدا گریه می‌کند و خداوند اجر قربانی ششدن اسماعیل را که در واقع یکی از مقامات الهی بوده را به ایشان به‌خاطر گریه به حضرت سیدالشهدا می‌دهد. از این منظر اگر نگاه بکنیم، مثلاً همین عزاداری‌های ما ریشه‌ای با پیوند با حضرت ابراهیم دارد و تمام پیروان ادیان ابراهیمی در پیوند با تشییع دارند قرار می‌گیرند. خب ما این ظرفیت را اساساً به آن توجه نمی‌کنیم. ما روضه‌هایمان به چنین احادیث ارجاع نمی‌دهیم. درحالی‌که رقیب ما بدون هیچ سختی‌تی دارد در سطح افکار عمومی چنین کاری را انجام می‌دهد.»

او در پایان افزود: «جنگ فعلی، علی‌رغم هزینه‌های بسییاری که به ما وارد کرده، فرصتی ایجاد کرده است برای تأمل جدی بر گستره فرهنگی‌ای که در ایران و در جامعه تشییع وجود دارد.»

مرد خوش‌روی صد اوسیمیا

مرد خوش‌روی صد اوسیمیا

از دیگر شهدای رسانه‌ای نیما رجب‌پور، دبیر خبر شبکه خبر ۲ بود. همکاران رجب‌پور از خوش‌رویی او و نماز اول وقتش بسیار می‌گویند و او را با چنین صفاتی یاد می‌کنند.
مانده فشمی، خبرنگار خبرگزاری صد اوسیمیا درباره همکاری‌ش می‌گوید: «در تمام مواجهه‌هایی که با هم داشتیم، حتی یک‌بار ندیدم آقای رجب‌پور اخم نکند. اصلاً هیچ بدرفتاری از او ندیدم. در این چهار سالی که با هم کار می‌کردیم و در یک جا بودیم، هیچ‌وقت ندیدم با کسی بداخلاقی کند. همه بار که او را می‌دیدم، چه در مواجهه با خودم و چه با دیگران، اولین کسی بود که با لبخند به همه سلام می‌کرد. حتی اولین باری که او را دیدم، نه من می‌دانستم او کیست و نه او مرا قبلاً دیده بود، اما سلام و علیکی کرد که خیلی خیلی گرم بود، انگار چند سال بود که همکاریم و همدیگر را می‌شناسیم. مثلاً تا ما می‌خواستیم سلام کنیم، او پیش‌دستی می‌کرد. چه در مواجهه با من و چه با دیگر همکاران، همین‌طور بود. هر کس می‌خواست سلام کند، او اول سلام می‌کرد، دستش را روی سینه‌اش می‌گذاشت و تعظیم می‌کرد. واقعاً رفتار خیلی عجیب و غریبی داشت، انگار از سرزمین دیگری آمده بود.»

فشمی از خاطرات همکاری خود با نیما رجب‌پور تعریف می‌کند: «هر بار موقع نماز ظهر که از نمازخانه رد می‌شدم، نیما رجب‌پور را در صف نماز می‌دیدم که ایستاده بود و نماز می‌خواند. می‌توانم بگویم در تمام مدتی که آنجا کار می‌کردم، هر بار موقع نماز ظهر از آنجا رد نشدم، او را در صف نماز دیدم که مشغول خواندن نماز بود.»

وی ادامه می‌دهد: «من با آقای رجب‌پور کار کرده بودم. واقعاً اولین بارم بود که برای شبکه خبر ۲ محتوا تولید می‌کردم و اصلاً نمی‌دانستم زوال کار چطور است یا باید چکار کنم. او با کمال آرامش و خونسردی، بدون اینکه بخواهد بد جواب بدهد یا کسی را سرزنش کند، همه چیز را توضیح داد. همه ما در کار با آدم‌ها دیده‌ایم که گاهی کنسوی حوصله ندارد، بدرفتار می‌کند یا بد جواب می‌دهد. اما او تا جایی که می‌شد، کاملاً آرام و بدون استرس، بدون اینکه بخواهد بد جواب دهد، توضیح می‌داد که کار این‌گونه است و باید این‌طور انجام شود.»
فشمی درباره خصوصیت‌های اخلاقی رجب‌پور عنوان می‌کند: «واقعاً می‌توانم بگویم، بین این همه آدمی که آنجا با آنها کار می‌کنم، او واقعاً آدم خوبی بود. نه اینکه حالا چون نیست بخواهم این‌طور بگویم، حتی اگر الان خودش هم بود، این را می‌گفتم. هر بار که از کنار می‌زدم رد می‌شدم، ما نشسته بودیم و این بنده خدا می‌آمد، من به هر کسی که کنارم بود، می‌گفتم واقعاً او آدم خوبی است. با شناختی که از او داشتم، هر بار که از کنارم رد می‌شد، می‌گفتم واقعاً آقای رجب‌پور آدم خوبی است. همیشه هم می‌گفتم حتماً پدر خوبی برای بچه‌هایش است، چون وقتی با این‌طور رفتار می‌کند، حتماً آدم خوبی است.»